

این گفتار نگاهی کوتاه و گذرا به زندگی و آثار امین‌اله حسین موسیقیدان و آهنگساز ایرانی است. در این مقال دیدگاه‌های حسین و اسامی تعدادی از آثار او به همراه توضیح بعضی ظرایف و نکات در آنها، نیز آورده شده است.



بهمن مه‌آبادی

زندگی

و آثار امین‌اله حسین

سعدی، مولانا، عبید زاکانی و دیگران دیرینه است. از این دوستیهاست که او در قطعات آوازیش ناله خویش را در سوپرانوهای زیبا و جاودانی تبلور می‌بخشد و شعر مولانا را آنگاه که می‌سراید «بشنو از نی چون حکایت می‌کند / وز جداییها شکایت می‌کند» با آوازی شورانگیز به شنوندگان خود عرضه می‌دارد. او در همین راستا کنسرتوها و سمفونیهایش را تصنیف می‌کند و تلاش بی‌وقفه‌ای را برای یافتن زبانی عام و جهانی به‌انجام می‌رساند. این زبان جهانی امکان گفتگو با دیگر فرهنگها را برای او فراهم می‌کند و موسیقی ایرانی را از قفس آهنین خود بیرون و به جهانیان معرفی می‌نماید.

امین‌اله حسین به سال ۱۹۰۳ مطابق با ۱۲۸۲ در سمرقند چشم به جهان گشود. پدرش احمد حسین مردی فرهنگ‌دوست و تحصیلکرده بود که بعدها بالاجبار نام حسین اف را برگزید. احمد حسین زمانی که به تهران مراجعت نمود با نام خانوادگی امیری شناسنامه دریافت کرد. هنگامی که نوجوانی بیش نبود برای

سرزمین ایران از دیرباز زادگاه هنر و اندیشه بوده است. متفکران و هنرمندان بسیاری در این خاک بالیدند و سرانجام خاطره رنجهای بسیار خود را برای همیشه با خود بردند. تاریخ ایران، تاریخ ایثار و از خودگذشتگی زنان و مردانی است که پای ایده‌های اصیل خویش جانانه ایستادند. به همین دلیل حضور این متفکران و هنرمندان در دانشنا را می‌توان در لحظه‌لحظه تاریخ ملاحظه کرد. امین‌اله حسین آهنگساز و موسیقیدان بزرگ ایرانی نیز از این تبار بود. او باوفادار ماندن به اصالت و ملیت خویش همه آثار خود را برای ایران تصنیف کرد و با زبان جهانی خود ارزشهای فرهنگ ایرانی را به جهانیان و بشریت قرن بیستم شناساند. حسین در تمام دوران زندگی خود ایرانی ماند و با الهام از فرهنگ کشورش به خلق موسیقی پرداخت. موسیقی او اغلب شاعرانه و توصیفی و بسیاری اوقات بیانگر حالتهای معصومانه و پاک ملت ایران است. انس و الفت او با شعر بویژه با آثار شاعران بزرگی چون حافظ،

گذراندن تحصیلات متوسطه به مسکو رفت و در طی این مدت آموزشهای اولیه ویولن را از مادر خود فراگرفت و شیفته این هنر شد. حسین در این دوران از نعمت شنیدن موسیقی بوسیله گرامافونی که در منزل داشتند بهره‌مند شده و از موسیقی ایرانی شناختی کامل پیدا کرد. صفحات تار درویش‌خان و آواز حاج حسین قلی‌خان روح حسین جوان را بنا زیبایی جاودانه موسیقی ایرانی سرشار ساختند. حسین در مسکو به یادگیری ویولن پرداخت، تا اینکه در ۱۹۲۲ به قصد سفر به برلین مسکو را ترک کرد. او در برلین تمام وجود خود را از موسیقی انباشت و یکسره به این هنر پرداخت. وی با آنکه بنا به توصیه پدرش برای تحصیل طب به آنجا رفته بود ولی موسیقی را با روحیات خود سازگار یافت و عزم خویش را برای آموختن و یادگیری آن جزم کرد. در سال دوم اقامتش در برلین (۱۹۲۴) با آنامینوسکی^۱ برای همیشه پیمان زندگی بست و روش تازه‌ای را در پیش گرفت و در کار موسیقی خود عمیقتر شد. چهار سال دوران اقامتش در برلین پر از موسیقی بود. او تحصیلات موسیقی خود را نزد آرتور ایشنابل^۲ و ویلهلم کلاته^۳ پی گرفت. در همین ایام سعی وافری را برای منطبق کردن موسیقی ایران با مبانی موسیقی علمی جهان آغاز نمود. از آنجا که خانواده حسین عاشق شعر و موسیقی بود او نیز چون پدر بزرگش سینه‌ای آکنده از ادبیات و قطعات شاعران فارسی‌زبان و ذهنی مملو از زمزمه‌های عارفانه موسیقی ایران داشت. او با این علایق و الفتها بود که دوران چهار ساله تحصیل خود را در آلمان به پایان برد و راهی پاریس شد. در پاریس اقدامات لازم را برای ورود به کنسرواتوار انجام داد - حسین اولین آهنگساز ایرانی است که تحصیلات مریضی خود را در کنسرواتوار پاریس به پایان رسانده است. وی در آنجا رشته آهنگسازی را پیش نوتل گائن^۴ و پل ویدال^۵ پی‌گیری کرد و پیانو را نزد پروفیسور آلفرد گورتو^۶ فراگرفت. از آن پس حسین به تصنیف آهنگ

پرداخت و آثاری را در فرم اتود^۷ و راپسودی^۸ تصنیف کرد. او قطعاتی از آهنگها و ترانه‌های محلی ایران را برای آواز و پیانو و پیانوی تنها تنظیم نمود. سالها به دور از وطن گذشت اما این دوری او را از وطن و فرهنگ موسیقایی زادگاهش جدا نکرد. وی در سال ۱۹۴۱ تصنیف اثری را آغاز کرد که بعدها در تاریخ موسیقی ایران و جهان جایگاه ویژه‌ای یافت. پوئم سمفونیک خرابه‌هایی تخت‌جمشید، فضای فکری فرهنگی ایران را با ظرافتی خاص بیان می‌کند. این اثر که سمفونی دوم او می‌باشد پنج سال از عمر حسین را به خود اختصاص داده است. در ۱۹۴۶ نتهای پوئم سمفونیک خرابه‌های تخت‌جمشید از زیر دست او بیرون آمد و او شادمانه اجرای آن را پی گرفت. نخستین بار به سال ۱۹۴۷ ارکستر لاموروی پاریس این سمفونی را به اجرا درمی‌آورد. فضای شرقی، معنوی و ایرانی بر سرتاسر تالار کنسرت حاکم می‌شود. اما این آخرین اجرا نیست؛ در ۱۹۵۱ ارکستر سمفونیک لندن آنرا به اجرا می‌گذارد. پس از آن نام پوئم سمفونیک پرسپولیس و امین‌اله حسین بر سر زبانها افتاد. رهبری بسیار ماهرانه بازیل کامرون^۹ در تالار وست‌مینستر^{۱۰} و توجه خاص سمفونیک لندن شهرت او را در اروپا بیش از پیش گسترش می‌دهد. پوئم سمفونیک خرابه‌های تخت‌جمشید اثری تصویری و غم‌انگیز است. این سمفونی از چهار قسمت تشکیل شده است. قسمت اول مدراتو^{۱۱} حالتی تصویری دارد. ستونهای تخت‌جمشید مغرورانه برپایند و عظمت بنای باشکوه در فضای آن موج می‌زند. نوستالژی عمیقی در این قسمت به مشام می‌رسد. دومین موومان، ماستوزو سوس‌ته نونو^{۱۲} تداعی‌کننده دوران گذشته و عظمت ایران است. این قسمت اقتدار و شکوه بی‌پایانی را جلوه‌گر می‌سازد. سومین بخش این سمفونی، آندانته دولوروزو^{۱۳} حالتی از اندوه، گریه و ماتم را به خود می‌گیرد! آیا در این قسمت نیست که حسین با یادآوری خاطرات غمبار خود می‌گرید؟ این اشک، این رنج،

CONCERTO N° 2

(POUR PIANO ET ORCHESTRE)

Op. 45

A. HOSSEIN

I

Allegro vivo $\text{♩} = 160$

Réduction
Orchestre

© Copyright 1958 by Editions TRANSATLANTIQUES
14 Avenue Hoche Paris (8e)

E.M.T. 482

Tous droits réservés
pour tous pays

به امید، به گرما، به آینده روشن گره می خورد و سمفونی در حالی که مصمم است حس امید و جاودانگی را منتقل کند به پایان می رسد. تکنیک موسیقی امین‌اله حسین ساده و روان است. او از شیوه‌های روسی و فرانسوی در تصنیف آثارش سود می برد. همچنین بسیاری از ملودیها و پرداختهایش به نغمات و آثار موسیقی آذربایجان شبیه است و بی‌مناسبت یا موسیقی ترکستان و نگرش حسین به بافت آثار سمفونیک موسیقی آذربایجان نیست. زیرا وی معتقد است که آفرینش موسیقی با الهام رابطه‌ای خاص دارد و این ارتباط به خودی خود از ریشه‌های فرهنگی شخص سرچشمه می‌گیرد. حسین در فاصله این سالها، آثاری چون راپسودی ایرانی و هومورسک^{۱۴} و رقص چرکسی را تصنیف می‌کند. او قطعات اتودسمفونیک خود را ابتدا به سال ۱۹۴۵ برای پیانوی تنها می‌نویسد ولی بعدها این چهار اثر را برای ارکستر تنظیم می‌کند، رقص چرکسی او نمونه‌ای از بهترین کارهای این فرم به حساب می‌آید. این رقص کوهی، با ضربهای قوی و نوای نشاط‌انگیز، تلاش مداوم او را برای تصنیف این نوع کار نشان می‌دهد. دومین قطعه این سری ساقی نام دارد. ساقی در اصل یک مینیاتور از اشعار خیام نیشابوری است که به نحوی بسیار زیبا پرداخت شده است. پیش از جنگ رقص جنگجویان را مجسم می‌کند؛ موسیقی پر قدرت و باشکوه این سومین بخش بسیار پرحرارت خلق شده است. اسکرتسویا شرزو^{۱۵} چهارمین موومان این مجموعه را تشکیل می‌دهد. آهنگی استهزاآمیز که اجتماع یک عده دلقک را به نمایش می‌گذارد. حسین مهارت آهنگسازی خود را در این اتود سمفونیک به خوبی نشان داده است. او با عشق عمیقش به هنر و آفرینش و در پی یافتن راههایی تازه و نو در موسیقی ایرانی نبرغ خود را به ثبوت می‌رساند و در طی دوره‌های مختلف زندگی‌اش جز اهتمام به هنر و پرداختن به موسیقی کار دیگری نمی‌کند. از آثار دیگری که در بین

سالهای ۱۹۴۵ و ۴۶ خلق می‌شوند، کنسرتوهای او برای پیانو می‌باشد. این کنسرتوها در کمال مهارت ساخته شده‌اند. برای مثال کنسرتوی شماره دوم حسین برای پیانو و ارکستر شهرتی بسزا دارد. این اثر چون تمام کنسرتوها از سه قسمت تشکیل شده است. موومان اول آن الگرو^{۱۶} از لحاظ لحن و حالت بیان به کارهای پروکفیف^{۱۷} و شوستاکوویچ شبیه است. این قسمت گرچه حالتهای موسیقی ایرانی را کاملاً داراست اما زبانی مدرنتر را برگزیده است. دومین موومان آندانته به یک شعر زیبای شاعرانه و غمگین می‌ماند. این قسمت با آغاز حالت رونده، شاد و نشاط‌آور آگرو مولتو در موومان سوم به شدت و سرعت تبدیل می‌شود. کنسرتوی شماره دو بوسیله پیانیستهای مشهور نیز اجرا شده است.

رباعیات خیام نام سمفونی دیگر اوست. این پوئم سمفونیک نیز به یاد ایران سروده و اولین اجرای آن به سال ۱۹۵۱ در پاریس انجام می‌گیرد. حسین با رباعیات خیام زندگی خود را معنی می‌کند. او با بیان موسیقایی این اشعار است که اصالت خویش را می‌نمایاند. نغمه پرندگان او را از روزمره گیهای بی حاصل می‌رهاند. او در این سیر معنوی تلاش عبث از پی هیچ را تمسخر می‌کند و به زیباییهای معنوی پناه می‌برد. زیرا این زیباییها را حقیقی و جاودانه می‌داند و از بی‌اعتنایی آنها به گذر زمانه خشنود است. حسین با برخوردار از چنین صفاتی به دشت به رود و صدای آن، به مرغان رها در باد و به سیمرغ عشق می‌ورزد و در پی یافتن این همه در فرهنگ ایرانی آثار ادبی و نقاشی کشورش را مرور می‌کند و در این پروسه است که به مینیاتورهای ایرانی می‌رسد. وی صداهای مصنوعی را کنار می‌گذارد و با الهام از آثار مینیاتور ایرانی، اثر مشهورش را به همین نام تصنیف می‌کند. در این اثر حسین فضا و حالت موسیقی ایران را مدنظر قرار می‌دهد و از سیمرغ به عنوان نماد روحی بزرگ و جاودانه که در ذره ذره خاک ایران آشیانه

A. HOSSEIN

CONCERTO N° 2

pour piano et orchestre

op. 45

شروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Piano principal
(avec un second piano
réduction de l'orchestre)

Editions Musicales
TRANSATLANTIQUES
14, Avenue Hoche - Paris 8°

پی‌نویسها:

1. Anna Minovski
2. Arthur Eshnabel
3. Wilhelm Klate
4. Noel Galon
5. Paul Widdal
6. Alfred Korto
7. Etud
8. Rhapsody
9. Bazil Cameron
10. West Minister
11. Moderato
12. Maesteso Sostenuto
13. Andante Doloroso
14. Homoresk
15. Scherzo
16. Allegro
17. Prokofiev
18. Aria

دارد الهام می‌گیرد. او در تابلوهای مینیاتور ایرانی خود، گلها، آدمها، نسله‌ها و زیباییها را ستایش می‌کند و اثرش را در گرامیداشت این همه می‌سراید. وی سرگذشت وطنش را باز می‌گوید و از عشقها و مهربانیها، از تنهایی و جاودانگی و مرگ و زندگی می‌سراید. حسین تخیل قدرتمند خود را در کار آفرینش موسیقی تا به آن حد پرورش می‌دهد که زبان جهانیش تثبیت می‌گردد. در افسانه‌های شرقی، در منطق‌الطیر، در شمس تبریز غوطه می‌خورد و سرانجام به هزار و یک شب می‌رسد. هزار و یک حکایت از شهر خیال‌انگیز تخیل او و آمیختگی این همه با فرهنگ ایران باعث خلق اثری می‌شود که با آثار جاویدان موسیقی شرقی برابری می‌کند. سویت سمفونیک شهرزاد اثری است که او انواعی از احساسات و نبوغ خود را در قالب آن عرضه می‌کند. این اثر برای ارکستر ساخته شده است و استعداد درخشان حسین را در سازشناسی، هارمونیزاسیون و تقسیم ایده و موضوع بین سازها به نمایش می‌گذارد. اجرای سویت سمفونیک شهرزاد، دوستانان موسیقی حسین را به تحسین وامی‌دارد و شنوندگان هم‌وطن او را با اثری که حالتهای موسیقی ایران در آن پیداست آشنا می‌سازد.

حسین آثاری نیز تحت عنوان موسیقی برای فیلم از خود به یادگار گذاشته است که بعضی از آنها واقعاً درخور توجهند.

امین اله حسین در آخرین سالهای زندگی به دیدار وطن محبوبش می‌شتابد و با دیدن سرزمین آبا و اجدادی خود، تسکین یافته و به پاریس مراجعت می‌کند. او در طی این سالها سمفونی دیگر خود، ایریا ۱۸ را تصنیف می‌کند. این اثر نیز کاملاً ایرانی است. او در اوج شهرت به خلق آثاری دیگر می‌اندیشید. درست در سالهای نیمه دهه هشتاد، خاک سرد آن وجود گرم را برای همیشه در آغوش گرفت. اما آثار پرارزش حسین نام و آوازه او را در ردیف بزرگان موسیقی جهان به ثبت رساند.